

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا
مقاله پژوهشی، سال هفتم، شماره ۲۳، بهار ۱۴۰۱، صفحات ۱۷ تا ۱
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۱

واکاوی اختلافات و اهداف بین ایران و آمریکا در مورد مذاکره هسته ای در غالب برجام از منظر حقوق بشر (ابعاد و رویکردها)

| آرزو ابراهیم نیا خانیکی* | گروه حقوق، دانشگاه پیام نور استان البرز، واحد ماهدشت، البرز، ایران.
| حکیمه السادات میر رفیعی | دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی
واحد سمنان، ایران.

| شیوا جامه بزرگی | گروه حقوق، دانشگاه پیام نور استان البرز، واحد کرج، البرز، ایران.

چکیده

پذیرش محدودیت‌های زمان‌دار در حقوق قانونی ایران برای فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز، در مقابل تعهداتی است که طرف‌های دیگر به ویژه ایالات متحده آمریکا پذیرفته بودند و در صورت عدم اجرای تعهدات طرف‌های دیگر هیچ دلیلی برای اجرای برنامه‌های محدود کننده از سوی ایران وجود ندارد و تهران به صورت تمام و کمال از حقوق خود بهره خواهد برد. در آستانه آغاز دور جدید مذاکرات ایران با ۱+۴ طرف‌های غربی به ویژه آمریکایی‌ها تلاش می‌کنند که با اظهارنظرهای غیرمنطقی شرایط حاکم بر مذاکرات را پیچیده کنند تا در سایه گرد و غبارهای ایجاد شده، تکالیف، تعهدات و مسئولیت‌های خود را پنهان نمایند. بدعهدی‌های ناشی از عدم حسن نیت طرف‌های غربی و بویژه آمریکا در ماه‌های پس از اجرایی شدن برجام و به شکل ملموس‌تر پس از آغاز ریاست جمهوری ترامپ، در تعارض با حسن نیت در اجرای تعهدات بین‌المللی برجام بوده و با توجه به تأکید قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت بر ضرورت اجرای کامل برجام و خودداری از هرگونه اقدام تضعیف کننده این سند همکاری، اظهارات رئیس جمهور آمریکا و برخی اقدامات انجام شده توسط تیم وی و کنگره این کشور در خصوص برجام، همانگونه که اتحادیه اروپا و کشورهای اروپایی و روسیه نیز بر آن اذعان دارند، تضعیف کننده این سند و معایر با روح برجام و قطعنامه الزام‌آور ۲۲۳۱ محسوب می‌گردد. سؤال مقاله حاضر این است که نقطه عزیمت نظری تفاوت در دیپلماسی تحریمی دو دولت ترامپ و اوباما در قبال ایران از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه با وجود تعهد این کشور به تعهدات برجام چه بوده است؟ فرضیه مقاله این است که بر این اساس؛ صورت مسئله مذاکراتی که امروز آغاز می‌شود بسیار روشن است رفع موثر و قابل راستی‌آزمایی همه تحریم‌ها همراه با ارائه تضمین در مورد عدم تکرار وضعیت گذشته در قبال اجرای زمان‌دار تعهدات باقی مانده ایران در برجام است.

واژگان کلیدی: فعالیت‌های هسته‌ای، حقوق بشر، مذاکرات هسته‌ای، آمریکا، تحریم.

* نویسنده مسئول: arezoobrahimnia@gmail.com

مقدمه

معافیت تحریمی نباید به عنوان سیگنالی تلقی شود که واشنگتن به دنبال دستیابی به تفاهمی برای بازگشت به توافقی است که به صورت رسمی با نام برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) شناخته می شود. دولت «دونالد ترامپ» رئیس جمهور سابق آمریکا در راستای سیاست فشار حداکثری، معافیت تحریمی برنامه صلح آمیز هسته‌ای ایران را لغو کرده بود. در حالی که مذاکره کنندگان آمریکایی خود را برای بازگشت به وین برای ادامه مذاکرات آماده می کنند، « وزیر خارجه آمریکا چند معافیت تحریمی مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای غیرنظامی ایران را امضا کرد. این اقدام با هدف لغو تصمیم دولت ترامپ در پایان دادن به این معافیت‌های تحریمی بوده است. معافیت‌های تحریمی با هدف ترغیب ایران به بازگشت به توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ صورت می گیرد که دولت ترامپ به صورت یکجانبه از آن خارج شد. بر اساس گزارش‌ها، با صدور این معافیت تحریمی، شرکت‌های چینی، روسی و اروپایی که با برنامه هسته‌ای صلح آمیز ایران همکاری داشتند می توانند بدون نگرانی از تحریم‌های آمریکا، به این همکاری بپردازند. دولت پیشین آمریکا به ریاست ترامپ بعد از خروج از برجام در راستای راستای سیاستی موسوم به «فشار حداکثری» علاوه بر بازگرداندن تحریم‌های متوقف‌شده ذیل این توافق و اعمال تحریم‌های جدید به سیاست‌هایی تحریک‌آمیز مانند ترور سردار «قاسم سلیمانی»، فرمانده سابق نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روی آورد. تئوری ترامپ این بود که این سیاست‌ها می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را به مذاکره بر سر توافقی جدید به جای «برجام» وادار کند. او روز ۲۰ ژانویه سال گذشته میلادی در حالی از قدرت کنار رفت که در تحقق این هدف شکست خورده بود و به دلیل نداشتن راهبرد در قبال ایران، تشدید بی‌مورد تنش‌ها با این کشور و جدا کردن مسیر آمریکا از متحدانش از سوی منتقدانش آماج انتقادات تند قرار گرفت (Balzacq, 2020: 176).

در این مقاله ماهیت برجام بررسی و با استدلال‌ات حقوقی بر این امر که این سند یک موافقت‌نامه سیاسی یا نژاکتی است تأکید خواهد شد. گروه کشورهای ۵+۱ از ۵ عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل (آمریکا، روسیه، چین، انگلستان و فرانسه) و آلمان تشکیل شده و هدف آن هماهنگ کردن واکنش جهانی نسبت به برنامه‌های هسته‌ای ایران است. مذاکرات هسته‌ای ایران و غرب در سال ۲۰۰۳ آغاز شد. در آن زمان سه کشور انگلستان و فرانسه و آلمان، پیشنهاد ارائه شده از سوی کشورمان را بررسی کردند و نهایتاً طی سال ۲۰۰۶ میلادی، با پیوستن روسیه، آمریکا و چین، گروه ۵+۱ تشکیل شد. مذاکرات مذکور با مجموعه موسوم به ۵+۱ و به صورت مشخص نمایندگان دولت آمریکا، از جمله رویدادهایی است که به صورت پرنرنگی در فضای سیاسی، اجتماعی و رسانه‌ای ایران و دنیا محل توجه قرار گرفت. علاوه بر نظرات مختلف درباره متن به‌دست‌آمده، مسئله‌ای که به شدت در فضای افکار عمومی محل سؤال قرار گرفت اجازه یافتن هیأت مذاکره‌کننده ایرانی برای مذاکره با نمایندگان دولت آمریکا است. این موضوع از آنجایی در کانون توجهات قرار می‌گیرد که «اصل مذاکره» با آمریکا در دوره‌ها و برهه‌های گوناگون از سوی

رهبر معظم انقلاب اسلامی رد شده و بر مضر بودن این مذاکره از سوی ایشان تأکید شده است. (آبادی، 1393: 122)

چارچوب نظری

دیپلماسی انرژی

مقوله کمیابی و نحوه پراکنش جغرافیایی منابع انرژی متعارف (نفت و گاز) در گستره جهانی از یکسو و روند فزاینده ارزش استراتژیک انرژی در قرن گذشته سبب شده است که بررسی نحوه تعامل انرژی و سیاست خارجی کشورها به یکی از مهمترین دستورکارهای نهادهای تصمیم‌گیر سیاسی و اقتصادی کشورها بدل گردد. امروزه دیپلماسی انرژی بخش جدایی ناپذیری از استراتژی امنیت ملی کشورها و برنامه‌های توسعه‌ای آنهاست و در خدمت تأمین منافع و اهداف ملی قرار دارد که در قیاس با گذشته شکل به مراتب پیچیده تری پیدا کرده اند و شناخت آنها مستلزم ارایه تحلیل‌های پویا و چند بعدی از شرایط است. از همین رو بسیاری از کشورها نظیر آمریکا، اتحادیه اروپا، چین و روسیه و ژاپن و هند اقدام به تدوین استراتژی بلند مدت انرژی و ذیل آن استراتژی‌های لازم برای تحقق دیپلماسی انرژی کرده اند. (Strange, 1994, pp. 104-103)

اهمیت استراتژیک نفت و گاز، فقدان یک نشریه جدی در مورد دیپلماسی انرژی، وضعیت بحرانی کشور از نظر قرار گرفتن تحت تحریم‌های همه جانبه، گروهی از متخصصان و تحلیل‌گران حوزه نفت، گاز و سیاست خارجی را بر آن داشت تا با انتشار مجله دیپلماسی انرژی خلاء موجود را پوشش داده و نهادها، افراد و بازیگران مختلف مرتبط با این حوزه را به یکدیگر پیوند زند. وزارت نفت، وزارت خارجه، شرکت‌های نفتی و گازی، وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، شورای عالی امنیت ملی، مراکز تحقیقاتی، همه عضو زنجیره‌ای هستند که در طراحی و اجرای دیپلماسی انرژی نقش دارند و در این میان رسانه‌هایی مثل دیپلماسی انرژی می‌تواند بعنوان حلقه اتصال و مرتبط کننده این بازیگران از نظر داشتن ذهنیت و برداشت مشترک عمل کند. (آجیلی، 1392: 69)

برای تأمین منافع ملی که یکی از دانش‌واژه‌های اصلی علم سیاست و مشتمل بر حیاتی‌ترین نیازهای یک دولت است، در عصر جهانی شدن رنگ جهانی به خود می‌گیرد؛ یعنی نمی‌توان بدون در نظر گرفتن ملاحظات نظام اقتصاد سیاسی جهانی، به‌ویژه توجه به تغییر ساختاری ناشی از تغییر در روندهای اقتصاد جهانی، منافع خود را تدوین کرد. کشورها بدون فهم چگونگی تغییر در ماهیت و توزیع قدرت یعنی منافع ملی قادر به حفظ و بازتولید قدرت ملی که یکی از الزامات سیاست خارجی است، نمی‌باشند. در این راه سوزان استرنجما را به تغییر ساختاری به‌خصوص به تغییر در ساختار تولید در اقتصاد جهانی توجه می‌دهد. لذا ضرورت دیپلماسی انرژی ناشی از شکل‌گیری گونه‌های جدید دیپلماسی، و با توجه به دربرگرفتن عناصر نامحسوس قدرت و متأثر از تغییر در اقتصاد جهانی ظهور کرده است. (Nye, 1967, p. 134)

به باور جوزف نای چیزی که سیاست خارجی وابستگی متقابل مواد خام راجع به آن است، تغییر شکل قدرت یا نیروهای ماوراء کنترل ما نیست؛ بلکه در ترسیم سیاست‌های آینده به‌ویژه با وجود چالش‌های متعدد محیطی و تغییر آب و هوا، پیوندهای انرژی و سیاست خارجی به‌عنوان فرصتی برای ارتباطات و همکاری بیشتر در حوزه انرژی برای گذار به آینده‌ای نوین در اختیار قرار گرفته است. بر این اساس، یکی از مزایای روابط تجاری آن است که کشورها منافع مشترکی را در تداوم روابط باثبات و مسالمت‌آمیز آینده می‌یابند. درواقع، این چنین وابستگی متقابلی به یک نیاز تمدنی در دوره جهانی شدن پاسخ می‌دهد (سیف‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۹۹). مطابق این انگاره، سلامت و حتی بقای دولت، نه به تقویت‌کردن شرایط ایستا، بلکه به وفق یافتن با پیشرفته‌ترین و موفق‌ترین عملکردها در نظام جهانی وابسته است؛ و شکست نسبت به این سازگار شدن، یا حتی کندی نسبی در انجام چنین کاری، کاهش پایدار قدرت و افزایش پایدار در آسیب‌پذیری معنا می‌شود. (Buzan, 1994, p. ۹۱)

منافع و اختلافات جمهوری اسلامی در مذاکرات هسته‌ای

بررسی علل و انگیزه‌های غرب از امنیتی‌سازی موضوع هسته‌ای ایران نشان می‌دهد، به‌طور کلی دو نگاه کلی نسبت به این امنیتی‌سازی وجود دارد:

۱. نگاه راهبردی و ایدئولوژیکی؛ ۲. نگاه ناشی از جلوگیری از ظهور یک قدرت جدید؛

در تبیین نگاه راهبردی و ایدئولوژیکی در امنیتی‌سازی موضوع هسته‌ای ج.ا.ایران، می‌توان گفت که این فضا سازی و تبلیغات علیه برنامه هسته‌ای ایران، به‌عنوان بخشی از پروژه ایران هراسی قابل‌تعریف است... در راستای راهکنش ایران هراسی و شیعه هراسی، منافع راهبردی غرب و آمریکا از امنیتی کردن موضوع هسته‌ای ایران به‌طور کلی عبارت‌اند از:

-گسترش و افزایش فروش تسلیحات به کشورهای منطقه -حضور بیشتر مستشاران آمریکایی در کشورهای منطقه-گسترش مسابقه تسلیحاتی در منطقه و نیز تضمین امنیتی اسرائیل است. تضمین امنیت اسرائیل، اصلی‌ترین نفع راهبردی آمریکا از امنیتی کردن مسئله هسته‌ای ایران است. به‌واقع در منطقه‌ای که سال‌ها شاهد درگیری و تنش میان اعراب و رژیم صهیونیستی بوده است، هرگونه تلاشی برای ایجاد تهدید جدیدی به‌جای رژیم صهیونیستی، بیش از هر چیز امنیت این رژیم را به همراه دارد و از جهتی نیز با افزایش امنیت رژیم صهیونیستی، دولت آمریکا به‌عنوان اصلی‌ترین شریک و متحد جهانی این رژیم، بیش از هر دولت دیگر منتفع می‌گردد. درواقع با توجه به هزینه‌های گزاف اقتصادی سیاسی، نظامی و دیپلماتیک آمریکا برای صیانت و حفاظت از رژیم صهیونیستی، بی‌تردید هر اقدامی که بتواند در این امر به آمریکا یاری رساند درواقع منافع راهبردی آمریکا را تأمین کرده است. در این راستا با نظر اینکه با امنیتی‌سازی مسئله هسته‌ای ایران به‌جای رژیم صهیونیستی - لااقل در نگاه دولت‌های عربی و اهل تسنن منطقه (عربستان، قطر، امارات و...) به‌عنوان تهدید اصلی و شماره یک مورد شناسایی این کشورها قرار گرفته است و مروری بر آخرین تحولات یمن و ایجاد ائتلاف عربی - سنی به رهبری عربستان سعودی و حمایت

و همکاری رژیم صهیونیستی و عربستان برای مقابله با آنچه با عنوان نفوذ ایران در یمن و منطقه یاد می‌شود میز شاهد این ادعا است. (۷) در همین راستا گسترش مسابقه تسلیحاتی در منطقه نیز که عمدتاً در میان کشورهای پادشاهی عربی است و اکنون ج.ا.ایران را به‌عنوان تنها تهدید علیه خود تلقی می‌نمایند؛ منافع سیاسی و اقتصادی و راهبردی را عاید آمریکا به‌عنوان فروشنده عمده‌ی این تسلیحات نیز، می‌نماید. از سوی دیگر در تبیین انگیزه دیگر از امنیتی‌سازی موضوع هسته‌ای ایران می‌توان به نگاه دوم (جلوگیری از ظهور قدرت جدید در نظام بین‌الملل) اشاره نمود که بیان می‌دارد ایران مسلح به تسلیحات هسته‌ای به قدرتی تهاجمی در منطقه و بین‌الملل تبدیل و درصدد گسترش نفوذ خود در منطقه و فرا منطقه بر خواهد آمد، لذا با این نگاه، غرب، اهداف راهکنشی زیر را از امنیتی‌سازی موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌نمود که عبارت‌اند از:

- حفظ توازن قدرت در منطقه - جلوگیری از بهره‌مندی جمهوری اسلامی ایران از فناوری هسته‌ای و افزایش قدرت این کشور - جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی ایران است. در راستای این اهداف راهکنشی، تغییر رژیم ایران راهبرد اصلی غرب بوده است. به‌واقع آنچه این نگاه و در میان انگیزه‌های غرب در امنیتی‌سازی مسئله هسته‌ای ایران، مقدم بر بقیه بوده است، راهبرد تغییر رژیم جمهوری اسلامی ایران بوده است. (بوزان، ۱۳۹۳: ۸۴).

در روابط بین‌الملل، اگر امنیتی‌سازی یک موضوع، موفق عمل کند، آن پدیده از جریان امور عادی سیاسی جدا گردیده و وارد حوزه اضطراری می‌شود که بایستی با آن برخوردی فوری و قاطعانه داشت در این راستا کشورهای غربی و به سرکردگی آنان ایالات متحده آمریکا و رسانه‌های وابسته به آن‌ها، توانستند که موضوع صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را به بحران هسته‌ای ساختگی و امنیتی‌سازی شده در میان اذهان عمومی در سراسر جهان تبدیل نمایند و درصدد بودند که بتوانند از ورای امنیتی‌سازی مسئله هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، هرگونه فعالیت نظامی، سیاسی و حتی اقتصادی این کشور را با اهداف امنیتی‌سازی شده‌ی هسته‌ای، مرتبط نموده و تصویرسازی آن را به شکل تهدید علیه بشریت و صلح بین‌الملل، نهادینه‌سازی و زمینه را برای ایجاد تحریم‌های گسترده و جامع از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد و یا حتی انجام حمله نظامی، تحت لوای شورای امنیت، باهدف و منظور جلوگیری و متوقف نمودن عرضه اندام ج.ا.ایران در عرصه‌های علمی، سیاسی، اقتصادی و نظامی در منطقه و بین‌الملل صورت دهند. غرب و متحدان منطقه‌ای آن به‌ویژه رژیم صهیونیستی، با پروژه امنیتی‌سازی هسته‌ای ایران، توانسته بودند که چهره‌ای امنیت ستیز از ایران ترسیم کرده و آن را به جهانیان معرفی کنند و از این طریق راه را برای فشار بیشتر به ایران هموار کنند. چنانچه محاصره و انزوای اقتصادی، اتهامات بی‌پایه و تهدیدات امنیتی، ایران را در حمله تهدیداتی چندجانبه و فراگیر قرار داد. براین اساس بود که مذاکرات و توافقنامه برجام باهدف لغو و خنثی‌سازی پروژه امنیتی‌سازی ایران صورت گرفت و دستگاه دیپلماسی کشور توانست، با توافقنامه هسته‌ای برجام این کار را صورت دهد، چنانکه این توافقنامه توانست علاوه بر اینکه ایران را از روی میز امنیتی جهان خارج نماید و تحریم‌های

تبعیض‌آمیز اقتصادی و نظامی را در قالب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد با اجماع تمامی اعضای آن، تعلیق کند، نقش محوری ازدست‌رفته‌ی ایران را با توجه به جایگاه ژئوپلیتیکی آن در ایجاد امنیت منطقه‌ای و جهانی نیز دوباره مطرح نماید. غریب آبادی، ۱۳۹۳: (۱۵۱)

بر اساس توافق، ایران قادر خواهد بود غلظت مقداری از اورانیوم بسیار غنی شده خود را بکاهد و باقیمانده را در بازار بین‌المللی بفروشد. توافق هسته‌ای ایران همچنین احتمال فروش اورانیوم مازاد ایران را به یک بانک سوخت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که در سال ۲۰۱۹ در قزاقستان فعال شد، پیش‌بینی کرده، هرچند هنوز مشخص نیست که آیا چنین ترتیباتی در حال انجام است یا خیر. رئیس‌جمهور آمریکا در دانشگاه آمریکن اظهار نمود که توافق انجام شده باعث حل شدن تمامی مشکلات با ایران نخواهد بود و درعین حال اطمینان بخش گرم شدن روابط بین دو کشور نخواهد بود. (قاسمی، ۱۳۹۴: ۶۷)

توافق مهم هسته‌ای ۲۰۲۰ به ایران در ازای تضمین راستی‌آزمایی برنامه هسته‌ای، لغو تحریم‌های گسترده‌ای را ارائه کرد. این توافق به شدت ذخایر اورانیوم غنی شده ایران را محدود کرد و از تعداد سانتریفیوژهای نسل اول کاست. این مسئله فاصله ایران تا نقطه گریز هسته‌ای را تا دست کم ۱۲ ماه نگه می‌داشت. اما به خاطر اینکه دستاوردی در راستای یکی از حیاتی‌ترین مسائل امنیتی به شمار می‌رود می‌توان آن را توافقی خوب و رضایت‌بخش توصیف کرد. اوپاما مخالفان برجام را جنگ طلبان دیروز عنوان کرد و اشاره نمود افرادی که با توافق با ایران مخالفند همان‌هایی هستند که در سال ۲۰۰۳ برای حمله به عراق رای مثبت دادند. او با این سخن به مردم آمریکا یادآور شد که جنگ عراق چقدر برای آنها هزینه داشته است. در زمان حکومت صدام حسین، در آمریکا تصمیم بر این گرفته شد تا بجای استفاده از دیپلماسی از گزینه نظامی استفاده شود و آمریکا وارد جنگ درازمدت شد، رهبران وقت آمریکا به مردم این کشور چیز زیادی از هزینه‌های سنگین جنگ نگفتند و دائم اصرار بر این بود که می‌توان اراده و تفکر خود را بر روی مردمانی که فرهنگ و تاریخ مختلفی دارند، تحمیل نمود. علیرغم گذشت یک دهه از وارد شدن به جنگ، در آمریکا هنوز با عواقب ناگوار اشغال عراق و تصمیم‌گیری آن زمان روبرو هستیم. اگرچه نیروهای مسلح ما تمامی ماموریت‌های خود را به خوبی انجام دادند، اما این را نیز نباید فراموش کرد که هزاران سرباز آمریکایی جان باختند و دهها هزار نفر زخمی و مجروح، البته این ارقام شامل تلفات جانی عراقی‌ها نمی‌شود. از طرفی دیگر نزدیک به یک تریلیون دلار هزینه، این تصمیم‌گیری شد. امروزه عراق همچنان دچار گرفتاری‌های زیادی است. (توکل پور کو خدان، ۱۳۹۱: ۱۱۶)

پس از خروج ترامپ از برجام، ایران نیز شروع به زیر پا نهادن تعهداتش کرد، تا حدی که برخی کارشناسان مدعی شدند زمان شکست هسته‌ای این کشور به حدود شش ماه کاهش یافته است. در همین حال، ایران نسل جدیدی از سانتریفیوژهای پیشرفته‌تر را برخلاف توافق هسته‌ای اولیه توسعه داده است. بایدن در اوایل دوره ریاست‌جمهوری خود، احیای توافق هسته‌ای را در اولویت اصلی سیاست خارجی قرار داد و گفت و گوهای غیرمستقیم با ایران را برای بازگرداندن هر دو

کشور به پابندی به توافق آغاز کرد. بر اساس گزارش ها، زمانی که سرگی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه آخرین خواسته دولتش را در مذاکرات مطرح کرد، دو طرف در حال نزدیک شدن به توافق بودند... (fayazmanesh, 2008: 145)

به گفته یکی از دیپلمات‌های ارشد اروپایی توافق هسته‌ای تقریباً نهایی شده، اما با درخواست روس‌ها و نحوه مدیریت تعهدات تجاری روسیه در قبال ایران در چارچوب برجام، مشکل به وجود آمده است. تا آنجایی که بخش‌های ایران و ایالات متحده مربوط است، این مسئله تقریباً قطعی است و بنابراین باید تا چند روز دیگر نهایی شود.

تحریم‌ها بی اثر است

مساله مهم دیگری که سران امریکایی به آن اشاره کرده اند بی تاثیر شدن تحریم‌ها در سالهای اخیر است. کری با اشاره به تغییر دولت در ایران گفت که از دو سال پیش تحریم‌ها علیه ایران تقریباً رو به فرسایش و بی تاثیر گذاشت. ایرانیان هم متحدتر عمل کردند و هم روشهای بهتری برای عبور از تحریم‌ها یافتند و به همین دلیل آنها توانستند وضعیت اقتصادیشان را به ثبات برسانند. او تاکید کرد که تحریم‌ها همین الان هم ناکارآمد شده اند. این مساله را اوباما نیز بدان اشاره کرد. اوباما گفت که در ادامه روند تحریم‌ها تنها خواهیم بود و شرکای اروپایی و آسیایی ما گفته اند که دیگر حاضر به ادامه همکاری در این زمینه نیستند. وی تاکید کرد که عدم توافق با ایران بدون هیچ گزینه جایگزین است و این یعنی شکست کامل برنامه‌های آمریکا و خروج ایران از انزوای بین المللی، بدون آنکه حتی به توافق عمل کند. (Rc.majlis.ir)

رئیس جمهور، حسن روحانی توافق هسته‌ای را به عنوان یک «راه سوم» جدید برای سیاست خارجی ایران مطرح می کند و معتقد است که این ایده که ما در برابر جهان دو راهکار داریم یا باید تسلیم شویم یا جهان را شکست دهیم، غیرمنطقی است؛ یک راه سوم هم وجود دارد و آن همکاری سازنده با جهان در چهارچوب منافع ملی است Source: <http://euanmearns.com/global-nuclear-power-snapshot>.

آنالیز محتوای قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت

محدود شدن خرید کالاهای دومنظوره برای ایران بسیار اهمیت دارد زیرا در اینجا کالاهایی مورد نظر هستند که امکان دارد در صنعت نظامی هسته‌ای بکار گرفته شوند. اما باید در نظر گرفت فروش این کالاها در قطعنامه‌های قبلی مطلقاً ممنوع بود. اما در قطعنامه جدید از طریق یک نهاد حقوقی پیش بینی شده می توان این کالاها را در صورت تائید آن نهاد، برای مصارف صنعتی خریداری کرد. (میرحسینی، ۱۳۹۴: ۱۲)

ارتباط میان برنامه جامع اقدام مشترک و قطعنامه الزام آور ۲۲۳۱ شورای امنیت نشان می دهد که برجام موافقت نامه نزاکتی بین المللی است. اگر برجام موافقت نامه نزاکتی بین المللی دانسته شود برای پاسخ به این پرسش که ارتباط این سند ۱۶۷ صفحه ای با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای

امنیت سازمان ملل متحد چیست؟ تحلیل این قطعنامه را می‌طلبید. لحن قطعنامه یادشده نه تنها تهدیدآمیز نیست، بلکه نشانگر رابطه‌ای مطلوب فی مابین طرفین است. در این قطعنامه، بر خلاف دیگر قطعنامه‌های فصل هفتم در ابتدای متن قطعنامه اشاره به فصل هفت دیده نمی‌شود. رویه غالب شورای امنیت این گونه است که وقتی در نظر دارد ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد قطعنامه‌ای صادر کند در همان مقدمه سند اعلام می‌کند که تمامی این قطعنامه در چارچوب فصل هفتم منشور ملل متحد صادر شده است. به تازگی چندین آزمایش موشکی از سوی ایران شکل گرفته که دیدگاه‌های متفاوتی را درخصوص نحوه تفسیر پیوست دوم قطعنامه به وجود آورده یا به عبارت بهتر، رابطه بین قطعنامه با برجام را برجسته کرده است. در این نوشتار درخصوص رابطه بین قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و برجام مذاقه شده است و تأکید می‌شود با اینکه برجام به طور کامل ضمیمه قطعنامه شده است و به نظر می‌رسد تأیید قطعنامه، تأیید برجام است، اما برجام و قطعنامه دو سند مجزا هستند و تأیید برجام الزاماً به معنای تأیید قطعنامه نیست. برجام و قطعنامه شورای امنیت دارای ماهیت مجزا و در عین حال مرتبط و تأثیرگذار در یکدیگرند. درنهایت اینکه به تجویز ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد در صورت وجود تعارض تعهدات بین موافقت‌نامه‌های بین‌المللی و تعهدات ناشی از منشور از جمله تعهدات ناشی از قطعنامه‌های شورای امنیت، تعهدات دسته دوم برتری دارند. شورای امنیت سازمان ملل در ۲۹ تیرماه ۱۳۹۴، قطعنامه ۲۲۳۱ را با رأی مثبت همه ۱۵ عضو دائم و موقت به تصویب رساند که تمام کشورهای عضو سازمان ملل را موظف به اجرای مفاد توافق جامع هسته‌ای یا برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) می‌کند. تصویب این قطعنامه در تاریخ شورای امنیت ملل متحد به سه دلیل منحصر به فرد و بی‌سابقه است. اول آنکه، شش قطعنامه تحریمی زیر فصل هفتم را بصورت یک جا لغو کرد. دوم، این قطعنامه نزدیک به ۱۷ صفحه‌ای دارای پیوست‌های مفصلی بالغ بر ۱۶۰ صفحه است که ویژگی‌های مهمی دارد که تا سالها میتواند موضوع بحث علمی محافل حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل قرار گیرد. سوم، قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت توافق موسوم به برجام ۱۵۹ صفحه‌ای را به عنوان پیوست در بردارد که همراه نامه کشورهای ۵+۱ به شورای امنیت ارائه شده است. (Heeley, Sahay, 2013: 7)

خرید کالاهای دو منظوره

خرید و فروش تسلیحات دفاعی

در قطعنامه ۲۲۳۱ در زمینه خرید و فروش تسلیحات، محدودیت‌هایی قید شده است. قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت، خرید و فروش تسلیحات از سوی ایران و از سوی کشورهای دیگر به ایران را ممنوع کرده بود و به ویژه خرید تسلیحات کلان ممنوع شده بود. اما این قطعنامه ممنوعیت را به محدودیت ۵ ساله تبدیل می‌کند که اگر خرید و فروشی باشد از طریق کسب اجازه مورد به مورد توسط شورای امنیت صورت می‌گیرد. ضمن اینکه به دلیل خودکفایی ایران در

زمینه تولیدات دفاعی کشور ما از نظر تامین نیازهای ضروری خود در پنج سال آینده با مشکل جدی روبرو نخواهد بود. (Hsu, 2016: 5)

محدودیت برای فعالیت موشکی ایران

بر اساس بند ۹ قطعنامه ۱۹۲۹، فعالیت های موشکی ایران به طور کامل ممنوع شده بود و برای تحقق این امر قطعنامه ۱۹۲۹ حتی به کشورها اجازه می داد که علیه ایران به زور متوسل شوند. ولی در قطعنامه جدید شورای امنیت از ایران می خواهد فعالیت های موشکی که برای حمل کلاهک هسته ای طراحی شده یا می شود انجام نگیرد. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران اساساً در برنامه اش فعالیت موشکی مرتبط با هسته ای نیست. نکته مهم دیگر اینکه شورای امنیت موضوع محدودیت در فعالیت های موشکی ایران را تحت فصل هفتم منشور سازمان ملل بیان نمی کند و فقط به عنوان یک خواسته آن را مطرح می کند. نکته کلیدی ایجاد محدودیت برای ایران در مورد ساخت موشکهای بلند برد است. درست است که ایران اساساً دنبال سلاح هسته ای نیست اما ایجاد محدودیت برای تولید موشکهای بلند برد قابل توجه به نظر می رسد. البته با در نظر گرفتن تعیین محدودیت هشت ساله که برای این مورد به نظر می رسد نباید چندان مشکل ساز نخواهد بود (Unctadstat.unctad.org)

برگشت پذیری تحریم ها

اگرچه موضوع بازگشت پذیری برای هر دو طرف در نظر گرفته شده است. اما اگر طرف مقابل به تعهداتش عمل نکند شکایت احتمالی ایران در کمیسیون بررسی می شود که ایران در اقلیت است و از این نظر با محدودیت روبرو است. با این حال ایران می تواند با پذیرش تبعات آن برفرض آنکه بخواهند حق ایران را پایمال کنند به برنامه هسته ای خود در زمان آذر ۱۳۹۲ یعنی قبل از توافق ژنو بازگردد. البته این امکان برای طرف مقابل نیز وجود دارد در قطعنامه هم پیش بینی شده اگر نقضی هم از سوی ایران و هم کشورهای دیگر صورت گیرد می توانند به کمیسیون رفع اختلاف مراجعه کنند. البته برای این کاریک پروسه ۶۰ روزه در نظر گرفته شده است و این حق برای هر دو طرف است. پیچیدگی این فرایند و امکان تخلف طرف زورگو و بد سابقه مانند آمریکا تنها نگرانی است که از هم اکنون با برنامه ریزی صحیح باید مانع از آن شد که آنها بتوانند سوء استفاده کنند. این برنامه ریزی دقیق می تواند با ثبت و ضبط و انتشار تدریجی اسناد و مدارک پشتیبان مذاکرات باشد تا مانع از تکرار بدعهدی ها شود.

جلوگیری از تخلفات احتمالی طرف های توافق هسته ای

قطعنامه ۲۲۳۱ در واقع یک نقشه راه را تعریف می کند. طبق این نقشه راه همه موارد و اقداماتی که دو طرف باید انجام دهند مشخص شده و در محدوده مشخص زمانی مفاد این قطعنامه نیز لغو خواهد شد. بنابراین کمترجایی برای نقض تعهدات باقی گذاشته است. همچنین از ابتدا تا انتهای

مسیری که در چارچوب برجام باید طی شود را در پیوست های قطعنامه مشخص می کند. (Irdiplomacy.ir).

به رسمیت شناختن غنی سازی ایران به صورت اختصاصی

در حالی که همه قطعنامه های قبلی علیه ایران در شورای امنیت خواستار توقف فوری فعالیت های غنی سازی ایران شده بود، اما در این قطعنامه فعالیت های غنی سازی ایران مورد پذیرش و حتی ادامه آن مورد تأیید قرار می گیرد. این موضوع بسیار مهمی است زیرا نشان می دهد مقاومت دوازده ساله مردم ایران به نتیجه رسیده است.

در تاریخ شورای امنیت این امر بی سابقه است که برنامه غنی سازی یک کشور که در نزد دیگران و شورای حکام آژانس بین المللی انرژی هسته ای به صورت ویژه بررسی می شد، توسط این شورا تأیید شده باشد. بخصوص آنکه ایران با شش قطعنامه تحت فصل هفتم منشور ملل متحد به عنوان تهدید کننده صلح و امنیت دنیا معرفی می شد. جالب آنکه بر اساس بند ۲۷ این قطعنامه سایر کشورها از برخورداری از رویه حقوقی مربوط به ایران در زمینه حقوق هسته ای منع شده اند و این نشان می دهد که مقاومت مردم یک کشور، چگونه می تواند قدرتها را به تمکین خواسته های آن مردم وادار سازد. (Sadjadpour, 2011: 17)

از بین بردن اساس رژیم تحریم ها

بر اساس قطعنامه جدید شورای امنیت، اساس رژیم تحریم ها و کمیته تحریم شورای امنیت از بین می رود. این موضوع اگرچه به تدریج انجام می شود اما دستاورد بسیار مهمی است. زیرا در واقع تمامی ساختارهای شکل گرفته در رابطه با تحریم ها در شورای امنیت و کمیته مربوط به اجرای تحریمها بر اساس این قطعنامه حذف میگردند. همچنین بهانه برای تداوم تحریم های ناجوانمردانه خارج از قطعنامه های شورای امنیت برای آمریکا و متحدانش از بین برده می شود. در مجموع می توان گفت اگرچه قطعنامه تصویب شده مطلوب ایران نیست اما بر اساس شرایط موجود و بر اساس مقدرات ایران این قطعنامه گشایش تازه ای در مناسبات سیاسی، اقتصادی و نظامی و امنیتی با سایر کشورهای جهان محسوب می شود. نکته مهم دیگر اینکه باید توجه داشت این قطعنامه با همه مواردی که در آن است از لحاظ حقوق بین الملل مرزبندی مشخصی با توافق وین دارد. بنابراین اگر مواردی در قطعنامه باشد که در توافق نیامده باشد، نقض احتمالی قطعنامه توسط ایران به هر دلیل نقض توافق وین به حساب نمی آید. دستاوردهای بزرگتری هم که مستقیم به مسئله هسته ای مربوط نمی باشد از توافقنامه حاصل شده؛ و آن این است که ما توازنی در گفتگوهای دیپلماتیک بدست آورده ایم. غیر ممکن بود کشوری در تحریم بزرگی قرار بگیرد، اما بتواند با ۶ کشور دیگر صحبت کند. شش کشوری که اکثر آنها قدرتهای جهانی هستند. (Katzman, 2016: 8)

منقدین برجام

برخی منتقدان در برابر استدلال دولت و هیات مذاکره کننده هسته ای که تاکید دارند بر اساس برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ هر شش قطعنامه شورای امنیتی علیه ایران ذیل بند ۴۱ فصل ۷ منشور ملل متحد را رفع کردند، معتقدند اساساً این استدلال که ایران تحت فصل ۷ منشور ملل متحد بوده، دروغ است. آنها این گونه استدلال می کنند که ایران صرفاً ذیل بند ۴۱ فصل ۷ است نه کلیت فصل ۷؛ از این رو هیچ گاه ایران تحت فصل ۷ منشور سازمان ملل نبوده است. اگر کشوری به طور کامل ذیل فصل ۷ قرار گیرد، تمام بندهای این فصل می تواند بر مبنای همان قطعنامه علیه آن کشور اجرایی شود، یعنی اگر یک کشور اقدامات الزام آور بند ۴۱ را انجام نداد، آمریکا یا کشورهای دیگر دارای حق وتو می توانند بدون تصویب هیچ قطعنامه دیگری و صرفاً به استناد همان قطعنامه پیشین، اجرای بند ۴۲ منشور را در دستور کار خود قرار دهند. در حالی که قرار گرفتن نام یک کشور تحت بند ۴۱ فصل ۷ به این معناست که برای ارجاع به فصل ۴۲ باید قطعنامه دیگری با رای اکثریت اعضای شورای امنیت یک بار دیگر صادر کنند. اما با توجه به اینکه مواد ۳۹ و ۴۱ منشور ملل متحد، مواد اول و سوم فصل ۷ هستند، در صورت احراز عدم کارایی ماده ۴۱ مسیر برای استناد به بند ۴۲ هموار می شود. کما اینکه هر شش قطعنامه صادر شده علیه ایران به همین شکل یعنی بند به بند پیش آمده و تصویب قطعنامه ذیل بند ۴۲ فصل ۷ امری غیرممکن نبود به علاوه این ادعا از سوی منتقدان در حالی مطرح می شود که کشورهای عضو دائم شورای امنیت در سال ۹۱ ایران را با بند ۴۲ تهدید می کردند.

بر مبنای بند ۴۱ فصل ۷ منشور "شورای امنیت می تواند تصمیم بگیرد که برای اجرای تصمیمات آن شورا مبادرت به چه اقداماتی که متضمن به کارگیری نیروی مسلح نباشد لازم است و می تواند از اعضای ملل متحد بخواهد که به این قبیل اقدامات مبادرت ورزند این اقدامات ممکن است شامل متوقف ساختن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات راه آهن، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و سایر وسائل ارتباطی و قطع روابط سیاسی باشد <https://www.isna.ir>".

۱- قبول داوطلبانه پروتکل الحاقی قبل از تصویب برجام در مجلس. ۲- استثناء شدن ایران از معاهده NPT برای ۱۵ سال. ۳- حفظ زیرساخت قانونی تحریمها. ۴- ایجاد مشکل برای صنایع و ممانعت از پیشرفت ایران در علوم مختلف. ۵- امکان دسترسی به تاسیسات نظامی ایران در متن برجام. ۶- حفظ تحریمهای تسلیحاتی و موشکی ایران. ۷- تحریمهای کنگره و ایالات آمریکا و اتحادیه اروپا صرفاً تعلیق می شوند. ۸- ایران کشوری مستثنا در حقوق، تکالیف و بازرسی هسته ای محسوب می گردد. ۹- تعهدات ایران روشن و صریح اما تعهدات سایر طرفها پیچیده و دچار آسیب های جدی است. ۱۰- توافق برجام هیچ گونه ضمانت اجرائی حقوقی و قانونی ندارد. ۱۱- هیچ مرجعی برای راستی آزمایی انجام تعهدات طرفهای مذاکره ایران در نظر گرفته نشده است. ۱۲- برجام، برنامه هسته ای ایران را بدون دورنمای روشن در آینده، در یک تعلیق حداقل ده ساله و بلندمدت فرو می برد. ۱۳- ایجاد محدودیت مشخص در همه ابعاد تحقیق و توسعه و کندشدن

مسیر تحقق برنامه صنعتی غنی سازی می باشد. ۱۴- مکانیسم های داوری مندرج در قطعنامه و برجام عامدانه بر ضد ایران تنظیم شده است. (البرادعی، ۱۳۹۲: ۲۰۰)

۱۵- تعهد دولت به اجرای پروتکل از روز اجرای برجام برخلاف مصوبه مجلس است. در حالی که قانون مصوب مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۴ اجرای همه اقدامات داوطلبانه از جمله پروتکل الحاقی توسط دولت را ممنوع می کند و بند دوم قانون «الزام دولت به حفظ دستاوردها و حقوق هسته ای ملت ایران» مصوب تیرماه ۱۳۹۴ نیز منحصراً نظارت های ذیل پادمان (NPT) را مجاز دانسته و هرگونه نظارتی فراتر از آن را ممنوع دانسته است، دولت در برجام متعهد شده است که پروتکل را از روز اجرای توافق به نحو داوطلبانه اجرا نماید.

۱۶- بیان لغو شش قطعنامه قبلی شورای امنیت در بند ۷ و ۸ قطعنامه ۲۲۳۱ از نقاط خوب نتایج مذاکرات و این قطعنامه است؛ با توجه به بند ۱۲ این قطعنامه و امکان بازگشت پذیری همه قطعنامه های قبلی با هر بهانه ای، کمیسیون آن لغو را نه لغو کامل که «لغو مشروط» یا «تعلیق قطعنامه های گذشته» استنباط می کند.

۱۷- ایران در طول اجرای توافق صرفاً اجازه خواهد داشت از قریب به ۱۰ تن ذخایر موجودش حداکثر ۳۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده را به شکل ۶UF حفظ کند. این امر می تواند برنامه هسته ای ایران را از شتاب لازم بیندازد و ایران اسلامی را با بهانه جویی های آمریکا و هم پیمانانش از مهمترین سرمایه اش در توسعه این صنعت محروم نماید.

۱۸- تحریم سوئیفت در خصوص نهادهای خارج شده از لیست انسداد دارایی ها مرتفع شده و این محدودیت از نهادهای اصلی کشور مثل بانک مرکزی، بانک ملت، بانک تجارت و برخی دیگر بانکها در روز اجرا رفع خواهد شد که موضوع بسیار مثبت ارزیابی می شود؛ لکن زیرساخت قانونی تحریم سوئیفت تا روز انتقال - هشت سال پس از تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ - باقی خواهد ماند و در تاریخ مذکور نیز صرفاً تعلیق - و نه لغو - خواهد شد.

۱۹- مؤسسات مالی خارجی به شرطی از شمول تحریم های مالی ثانویه آمریکا خارج می شوند که میزان خرید نفت خام از ایران به صورت پیوسته در حال کاهش باشد و این به معنای مانع تراشی برای انتقال وجوه حاصل از فروش نفت خام ایران خواهد بود.

۲۰- اصل تناظر در انجام تعهدات دو طرف در برجام به طور کامل رعایت نشده و اقدام واقعی از سوی ۵+۱ در زمینه تعلیق تحریم ها به انجام تعهدات ایران و راستی آزمایی آن از سوی آژانس موکول شده است.

در ۱۹ مهرماه ۱۳۹۴، نمایندگان مجلس شورای اسلامی به بررسی کلیات طرح اقدام متناسب و متقابل جمهوری اسلامی ایران در اجرای برنامه جامع اقدام مشترک میان ایران و ۵+۱ پرداختند و در نهایت کلیات طرح برجام را با ۱۳۹ رای موافق و ۱۰۰ رای مخالف و ۱۲ رای ممتنع از ۲۳۵ نماینده حاضر در جلسه تصویب کردند. جزئیات برجام با ۱۶۱ رای موافق، ۵۹ رای مخالف و ۱۳ رای ممتنع تصویب شد. همچنین پس از تصویب مجلس، سخنگوی شورای نگهبان هم اعلام کرد

که طرح اقدام متناسب و متقابل دولت در اجرای برجام با اکثریت آراء مغایر با شرع و قانون اساسی شناخته نشده است. (GAO, 2013:78)

نتیجه گیری

گسترش و افزایش فروش تسلیحات به کشورهای منطقه - حضور بیشتر مستشاران آمریکایی در کشورهای منطقه - گسترش مسابقه تسلیحاتی در منطقه و نیز تضمین امنیتی اسرائیل است. تضمین امنیت اسرائیل، اصلی ترین نفع راهبردی آمریکا از امنیتی کردن مسئله هسته‌ای ایران است. به‌واقع در منطقه‌ای که سال‌ها شاهد درگیری و تنش میان اعراب و رژیم صهیونیستی بوده است، هرگونه تلاشی برای ایجاد تهدید جدیدی به‌جای رژیم صهیونیستی، بیش از هر چیز امنیت این رژیم را به همراه دارد و از جهتی نیز با افزایش امنیت رژیم صهیونیستی، دولت آمریکا به‌عنوان اصلی ترین شریک و متحد جهانی این رژیم، بیش از هر دولت دیگر منتفع می‌گردد. درواقع با توجه به هزینه‌های گزاف اقتصادی سیاسی، نظامی و دیپلماتیک آمریکا برای صیانت و حفاظت از رژیم صهیونیستی، بی‌تردید هر اقدامی که بتواند در این امر به آمریکا یاری رساند درواقع منافع راهبردی آمریکا را تأمین کرده است. در این راستا با نظر اینکه با امنیتی‌سازی مسئله هسته‌ای ایران به‌جای رژیم صهیونیستی - لاقلاً در نگاه دولت‌های عربی و اهل تسنن منطقه (عربستان، قطر، امارات و...) به‌عنوان تهدید اصلی و شماره یک مورد شناسایی این کشورها قرار گرفته است و مروری بر آخرین تحولات یمن و ایجاد ائتلاف عربی - سنی به رهبری عربستان سعودی و حمایت و همکاری رژیم صهیونیستی و عربستان برای مقابله با آنچه با عنوان نفوذ ایران در یمن و منطقه یاد می‌شود می‌شاهد این ادعا است. (۷) در همین راستا گسترش مسابقه تسلیحاتی در منطقه نیز که عمدتاً در میان کشورهای پادشاهی عربی است و اکنون ج.ا.ایران را به‌عنوان تنها تهدید علیه خود تلقی می‌نمایند؛ منافع سیاسی و اقتصادی و راهبردی را عاید آمریکا به‌عنوان فروشنده عمده‌ی این تسلیحات نیز، می‌نماید.

از سوی دیگر در تبیین انگیزه دیگر از امنیتی‌سازی موضوع هسته‌ای ایران می‌توان به نگاه دوم (جلوگیری از ظهور قدرت جدید در نظام بین‌الملل) اشاره نمود که بیان می‌دارد ایران مسلح به تسلیحات هسته‌ای به قدرتی تهاجمی در منطقه و بین‌الملل تبدیل و درصدد گسترش نفوذ خود در منطقه و فرا منطقه بر خواهد آمد، لذا با این نگاه، غرب، اهداف راهکنشی زیر را از امنیتی‌سازی موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌نمود که عبارت‌اند از:

- حفظ توازن قدرت در منطقه - جلوگیری از بهره‌مندی جمهوری اسلامی ایران از فناوری هسته‌ای و افزایش قدرت این کشور - جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی ایران است. در راستای این اهداف راهکنشی، تغییر رژیم ایران راهبرد اصلی غرب بوده است. به‌واقع آنچه این نگاه و در میان انگیزه‌های غرب در امنیتی‌سازی مسئله هسته‌ای ایران، مقدم بر بقیه بوده است، راهبرد تغییر رژیم جمهوری اسلامی ایران بوده است.

در روابط بین‌الملل، اگر امنیتی‌سازی یک موضوع، موفق عمل کند، آن پدیده از جریان امور عادی سیاسی جدا گردیده و وارد حوزه اضطراری می‌شود که بایستی با آن برخوردی فوری و قاطعانه داشت در این راستا کشورهای غربی و به سرکردگی آنان ایالات متحده آمریکا و رسانه‌های وابسته به آن‌ها، توانستند که موضوع صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را به بحران هسته‌ای ساختگی و امنیتی‌سازی شده در میان اذهان عمومی در سراسر جهان تبدیل نمایند و درصدد بودند که بتوانند از ورای امنیتی‌سازی مسئله هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، هرگونه فعالیت نظامی، سیاسی و حتی اقتصادی این کشور را با اهداف امنیتی‌سازی شده‌ی هسته‌ای، مرتبط نموده و تصویرسازی آن را به شکل تهدید علیه بشریت و صلح بین‌الملل، نهادینه‌سازی و زمینه را برای ایجاد تحریم‌های گسترده و جامع از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد و یا حتی انجام حمله نظامی، تحت لوای شورای امنیت، باهدف و منظور جلوگیری و متوقف نمودن عرضه اندام ج.ا. ایران در عرصه‌های علمی، سیاسی، اقتصادی و نظامی در منطقه و بین‌الملل صورت دهند.

غرب و متحدان منطقه‌ای آن به‌ویژه رژیم صهیونیستی، با پروژه امنیتی‌سازی هسته‌ای ایران، توانسته بودند که چهره‌ای امنیتی ستیز از ایران ترسیم کرده و آن را به جهانیان معرفی کنند و از این طریق راه را برای فشار بیشتر به ایران هموار کنند. چنانچه محاصره و انزوای اقتصادی، اتهامات بی‌پایه و تهدیدات امنیتی، ایران را در حمله تهدیداتی چندجانبه و فراگیر قرار داد.

براین اساس بود که مذاکرات و توافقنامه برجام باهدف لغو و خنثی‌سازی پروژه امنیتی‌سازی ایران صورت گرفت و دستگاه دیپلماسی کشور توانست، با توافقنامه هسته‌ای برجام این کار را صورت دهد، چنانکه این توافقنامه توانست علاوه بر اینکه ایران را از روی میز امنیتی جهان خارج نماید و تحریم‌های تبعیض‌آمیز اقتصادی و نظامی را در قالب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد با اجماع تمامی اعضای آن، تعلیق کند، نقش محوری از دست‌رفته‌ی ایران را با توجه به جایگاه ژئوپلیتیکی آن در ایجاد امنیت منطقه‌ای و جهانی نیز دوباره مطرح نماید.

با توجه به آنچه بررسی گردید و بر اساس قواعد حقوق بین‌المللی عرفی درمورد مسئولیت بین‌المللی دولت (که در طرح کمیسیون حقوق بین‌المللی ۲۰۱۱ در مورد مسئولیت بین‌المللی دولت انعکاس یافته)، توصیف عمل متخلفانه بر مبنای حقوق بین‌المللی است و منبع تعهد نیز می‌تواند شامل معاهده، عرف، اصول کلی حقوقی یا قطعنامه شورای امنیت باشد، بر این اساس اقدام یک جانبه و غیرقانونی آمریکا در خروج از توافقنامه تعهدآوری چون برجام، منجر به ایجاد مسئولیت بین‌المللی برای این کشور است و این مسئولیت بین‌المللی و تعهد حقوقی بین‌المللی به جبران خسارات ناشی از نقض تا زمان دادرسی به قوت خود باقی خواهد ماند. بعلاوه اینکه خروج آمریکا از توافق، عدم پایبندی آشکار به قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت است، گرچه نقض قطعنامه نیز به‌خودی‌خود، مسئولیتی سیاسی و حقوقی برای ایالات متحده آمریکا به دنبال دارد: مسئولیت سیاسی به این جهت که آمریکا به‌عنوان عضو دائم شورای امنیت، با اقدام خود، قطعنامه مصوب این شورا را بی‌اعتبار نموده است.

در موارد مرتبط با صلح و امنیت بین‌المللی، حتی کشورهای غیر عضو سازمان ملل نیز موظف به اجرای تصمیمات شورای امنیت هستند، لذا رفتار آمریکا در نقض قطعنامه به‌منزله‌ی نقض صلح و امنیت و مغایر با مبانی حقوق بین‌الملل است. در مجموع از آنجاکه برجام ضمیمه قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل شده و سازوکارهای حقوقی اعم از مکانیسم خودبسنده مذکور در برجام، فسخ برجام و اقدام متقابل علیه آمریکا می‌تواند در این رابطه فعال شود. لذا خروج از برجام و بالطبع نقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، موجب بوجود آمدن مسئولیت بین‌المللی نظام آمریکا، به خاطر عدم تعهد در قبال تعهدات و نیز عدم التزام به تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل، گشته است.

منابع و مراجع

- احمدی، بهزاد، (۱۳۹۵). برنامه هسته‌ای در خاورمیانه. ترجمه مهسا ماه پیشانیان؛ چاپ سوم، تهران: ابرار معاصر.
- البرادعی، محمد. (۱۳۹۲) عصر فریب؛ دیپلماسی اتمی در دوران خیانت. ترجمه فیروزه درشتی و شیما
- بوزان، باری، ویور. (۱۳۹۳). چهارچوبی تازه برای تحلیل امنیت. ترجمه علیرضا طیب؛ چاپ دوم، تهران: مطالعات راهبردی.
- توکل پور کوخدان، محمد هادی. (۱۳۹۱). بررسی حقوقی مسأله هسته‌ای ایران. چاپ دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- رسولی ثانی آبادی، الهام (۱۳۹۳). هویت هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران. تهران: ابرار معاصر.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۹۴). نظریه‌های امنیت. تهران: ابرار معاصر.
- غریب آبادی، کاظم. (۱۳۹۳). پرونده هسته‌ای ایران به روایت اسناد. چاپ دوم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- قاسمی، مهران. (۱۳۹۴). نیم قرن پرونده هسته‌ای ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- نصری، محسن. (۱۳۹۴). شکوه ملی در فناوری هسته‌ای. تهران: حدیث راه عشق.
- آجیلی، هادی. (۱۳۹۲). تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بر توسعه اقتصادی ایران. راهبرد توسعه. دوره نهم، شماره ۳۶.
- آدمی، علی، (۱۳۹۴). بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه راهبرد. دوره ۲۱، شماره ۶۲.
- رسولی ثانی‌آبادی، الهام و سید محسن میرحسینی. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل شکل‌دهنده به سیاست هسته‌ای دولت اعتدال بر اساس نظریه پیوستگی جیمز روزنا». فصلنامه راهبرد، شماره ۷۴.

(پایگاه اینترنتی وزارت امور خارجه، ۹۴/۵/۱۵)

Fayazmanesh, Sasan, (2008). *The United States and Iran: Sanctions, Wars and the Policy of Dual Containment*. Abingdon: Routledge. Taylor and Francis Group.

Waver, Ole, *Securitization and Desecuritization*, in: Ronnie D. Lipchitz, *On Security*, NY: Columbia University press.

Balzacq, Thierry, (2005), "Three Faces of Securitization: Political Agency, Audience and Context". *European Journal of International Relation*, Vol. 11(2).

Athar, Zafar. (2013). "Iran's Assertiveness on Disputed Islands Rattles UAE", Available at: <http://www.icwa.in>.

Barzegar, Keyhan, (2016), "The Geopolitics of JCPOA", Available at: <http://www.iranreview.org>.

- Dubowitz, Mark. (2015), "Implications of a Nuclear Agreement with Iran", <http://webcache.googleusercontent.com>.
- GAO. (United States Government Accountability Office Report), (2013). "U.S. and International Sanctions Have Adversely Affected the Iranian Economy", accessible at: <http://www.gao.gov>.
- Habibi, Nader. (2010). "The Impact of Sanctions Iran- GCC Economic Relations", accessible at: <http://www.brandeis.com>.
- Heeley, Laicie, Sahay. (2013), "Are Sanctions on Iran Working", accessible at: <http://armscontrolcenter.org/assets/pdfs>.
- Howard, Roger. (2004), "Dealing with Iran's Nuclear Challenge". accessible at: <http://www.antiwar.com/orig/>
- Islam, Thowhidul. (2010), "Iran's Nuclear Policy: Russia's Perspective". accessible at: <http://static.cejiss.org/data/uploaded>
- Jahani, Kosar. (2011), "Sanctioning Iran the View from the United Arab Emirates", accessible at: <http://fletcher.tufts.edu>.
- Katzman, Kenneth. (2016), "Iran Sanctions". Accessible at: <https://www.amazon.com/Iran>.
- Sadjadpour, Karim. (2011), "The Battle of Dubai: The United Arab Emirates and the US- Iran Cold War", accessible at: <http://www.carnegieendowment.org/pubs>.
- <http://euanmearns.com/global-nuclear-power-snapshot>.
- <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/97764>.
- <http://unctadstat.unctad.org>.
- <http://www.areva.com/EN/group-688>.
- <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1952802>.
- <http://www.isna.ir/news/94110905391>.
- www.nytimes.com.